

آزادسازی و عبور از چالش‌های توسعه پایدار

در مسیر ایران ۱۴۰۴

دکتر غلامحسین عبیری

مقدمه

کمیسیون توسعه پایدار (CSD) در سال ۱۹۹۲ شاخص‌های اجتماعی دستیابی به توسعه پایدار را از شش منظر: برابری، بهداشت، آموزش، مسکن، امنیت و آلودگی موردتوجه قرار داد. این محورها از دیدگاه‌های مرتبط با هر محور شناسایی و شاخص‌های آن معرفی شدند. برای مثال، از محور برابری و عدالت، دیدگاه فقر و برابری جنسیتی با شاخص‌های ضریب جینی، خط فقر، نرخ بیکاری و نسبت دستمزد زنان به مردان معرفی شده است. شاخص‌های بهداشت با دیدگاه‌های تغذیه، مراقبت‌های بهداشتی و سیستم آب آشامیدنی تعریف شده و شاخص‌های امید زندگی، نرخ مرگ‌ومیر، تغذیه کودکان، درصد دسترسی به آب سالم و نرخ پیشگیری از بیماری، مهمترین شاخص‌های تعریف شده می‌باشند.

نکته دارای اهمیت در توجه به شاخص‌های اجتماعی تقویت قوانین رشد، هدایت برنامه‌های توسعه، مشارکت نیروی کار و تلطیف نمودن چالش‌های پیش روی نظام سیاسی - اقتصادی کشور است.

در این نوشتار سعی می‌کنیم تا ضمن بررسی قواعد اقتصادی رشد، و بررسی تجربیات برخی از کشورها، نگاهی کلان به برنامه‌های توسعه و سند

چشم‌انداز ایران ۱۴۰۴ داشته باشیم، کشوری که تجربه شصت سال برنامه‌ریزی را پشت سر گذاشته و به دفعات اهداف واحدی را در برنامه‌های توسعه گنجانده، ولی هنوز موفق به ایجاد تعادل عمومی در روند ساختار کلان سیاسی - اقتصادی از یکسو و اجتماعی - فرهنگی از سوی دیگر نشده است. به راستی چرا پس از چندین دهه برنامه‌ریزی، میزان وابستگی ساختار به خارج از کشور کاسته نشده؟ و آیا واقعاً کاهش وابستگی و رسیدن به خودکفایی در هزاره سوم هنوز می‌تواند محوری مهم برای برنامه‌های توسعه باشد؟

افزایش اشتغال در فعالیتهای غیرصنعتی،
منجر به کاهش رشد بهره‌وری در سطح کلان
می‌شود.

قوانین رشد

اقتصاد رشد سه قانون را حول مبانی نظری Kaldor مورد بررسی قرار داده است. قانون اول، مشتمل بر وجود همبستگی قوی بین نرخ رشد تولید ناخالص داخلی (GDP) و رشد صنایع (g_m) است؛ قانون دوم، وجود همبستگی قوی بین بهره‌وری

صنایع (P_m) و رشد صنایع است؛ و قانون سوم هم وجود رابطه قوی بین بهره‌وری خارج از حوزه صنایع را با رشد صنایع موردنظر قرار می‌دهد. این قوانین به صورت ریاضی بدین صورت قابل‌ارایه می‌باشند (Thirlwall - ۱۹۹۹):^(۱)

$$g_{GDP} = f_1(g_m) \quad f_1 > 0 \quad (۱)$$

$$P_m = f_2(g_m) \quad f_2 > 0 \quad (۲)$$

$$P_{mm} = f_3(g_m) \quad f_3 > 0 \quad (۳)$$

Zhang و Hansen (۱۹۹۶) مطالعات تجربی دیدگاه‌های Kaldor را در حوزه اقتصاد چین مورد مطالعه قرار داده‌اند. این مطالعات به اختصار به صورت زیر می‌باشد:^(۲)

$$g_{GDP} = ۱/۷۹ + ۰/۵۶ g_m \quad r^2 = ۰/۶۷$$

$$P_m = -۰/۰۹ + ۰/۷۱ g_m \quad r^2 = ۰/۷۳$$

$$P_{GDP} = ۰/۰۲ + ۰/۴۹ g_m \quad r^2 = ۰/۷۲$$

در آخرین آزمون آماری بهره‌وری تولید ناخالص داخلی (P_{GDP}) با تغییرات اشتغال در فعالیتهای غیرصنعتی (e_{mm}) رابطه منفی نشان می‌دهد. این مطالعات به صورت منطقه‌ای در اقتصاد چین صورت گرفته و وجود همبستگی بالا (r^۲) و آزمون t قابل قبول برای ضریب موردتایید است.

این مطالعات ضمن بررسی رابطه بین رشد و توسعه، این نتیجه را برای ما دربردارند که افزایش

اشتغال در فعالیت‌های غیرصنعتی، منجر به کاهش رشد بهره‌وری در سطح کلان می‌شود.

کارل پوپر (۱۳۷۹) در مصاحبه‌های خود با عنوان "درس‌های قرن بیستم" به این مساله اشاره می‌کند که افتتاح بورس اوراق بهادار در مسکو از آن جهت عجیب است که نه سهام و اوراق بهاداری وجود دارد و نه پولی که صرف خرید و فروش سهام شود، فقط پول ملی آن کشور، یعنی "روبل" وجود دارد و در این شرایط می‌خواهند بورس اوراق بهادار هم داشته باشند! سپس نتیجه می‌گیرد: روسیه قبل از هر چیز به قاضی‌هایی نیاز دارد که از میان اعضای حزب با انگیزه‌های سیاسی انتخاب نشده باشند. این قاضی‌ها باید در خدمت حکومت قانون باشند و بدانند که مسوول کمک‌کردن به استقرار حکومت قانون در کشورند. بعد اشاره می‌کند: ناپلئون هم می‌دانست که اگر قرار باشد جامعه‌ای مبتنی بر بازار آزاد به‌وجود آید، چاره‌ای جز استقرار قانون نیست^(۳).

اما توجه داشته باشید که در بریتانیا هم که حکومت قانون وجود دارد، فساد فراوان است و به اشکال مختلف دخالت در بازار دیده می‌شود و پلیس ناچار است چهارچشمی مراقب جریانات بازار بورس باشد.

■ ■ ■
امروز جهان آزاد متقاضی سهم بیشتر مشارکت مردم کشورهای در حال توسعه است و این تقاضا می‌بایست با مسوولیت پذیری همراه باشد.
 ■ ■ ■

حال تجربه ایران را در دهه ۱۳۸۰ در نظر بگیرید؛ از مجموع ۷۷ پرونده فساد اقتصادی در دست‌بررسی، معادل ۳۱ درصد مربوط به بانک‌ها، ۱۷ درصد مربوط به حوزه زمین‌خواری، ۲۳ درصد مربوط به صنایع، ۱۴ درصد مربوط به نفت و پتروشیمی، نه‌درصد مربوط به مفاسد فرهنگی و اجتماعی و پنج درصد هم مربوط به حوزه قضایی و امنیتی بوده است (روزنامه جام جم / چهاردهم آذرماه ۸۶)^(۴).

این مسایل در حاشیه روند رشد اقتصادی و دورنمای اقتصاد ناپایدار، کشورهای در حال توسعه را با مباحث حادی روبرو می‌سازند و موجب می‌شوند که نتوانیم به سهولت از مرحله اقتصاد دولتی یا بهتر بگوییم از سرمایه‌داری دولتی عبور کنیم.

شاخص‌های توسعه

شاخص جینی (Gini) از جمله مهمترین شاخص‌های نشاندهنده نابرابری درآمد در مناطق مختلف جهان است. Deininger و Squire (۱۹۹۶) از جمله اقتصاددانانی هستند که بر مبنای نمونه‌گیری‌های متفاوت از نقاط دنیا، شاخص Gini را مورد مطالعه قرار داده‌اند^(۵). جدول شماره یک شاخص کلی مناطق جغرافیایی مختلف را نشان می‌دهد.

جدول شماره یک

شاخص Gini در مناطق مختلف جهان - ۱۹۹۶

منطقه	ضریب جینی
آفریقا	۴۴/۷۱
آسیای شرقی	۳۶/۱۸
آسیای جنوبی	۳۴/۰۶
اروپای شرقی	۲۶/۰۱
خاورمیانه	۴۰/۷۷
آمریکای لاتین	۵۰/۱۵
کشورهای صنعتی	۳۳/۱۹
ایران	۳۳/۲۳

Source: Deininger, K. & .../1996 / A New Data Set Measuring Income Inequalities / World Bank / Economic Review.

ملاحظه می‌کنید که شاخص توزیع درآمد در بیشتر کشورهای در حال توسعه، چندان رضایت‌بخش

نیست. این شرایط نشاندهنده وجود عدم‌تعالد در ساختارهای مختلف جهان می‌باشد. اصول حکومت‌داری پایدار - به شرح ذیل - می‌تواند در تغییر و اصلاح ساختار موثر عمل کند:

- ۱- اصل پاسخگویی.
- ۲- اصل مشارکت.
- ۳- اصل تصمیم‌گیری چندمنظوره.
- ۴- اصل پیشگیری.
- ۵- اصل هزینه و فایده.
- ۶- اصل شفافیت.

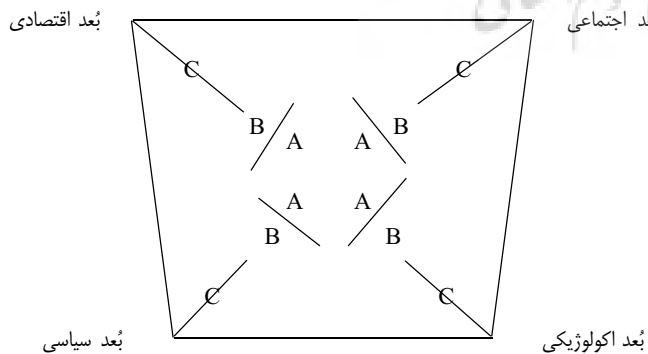
این اصول می‌توانند شرایط بازگشت به تعادل را از ابعاد مختلف سیاسی - اقتصادی - اجتماعی و اکولوژیکی مورد توجه قرار دهند. مدل شماتیک شماره یک این ویژگی‌ها را برای رسیدن به تعادل از جایگاه C به B و A نشان می‌دهد.

نمودار شماره یک پنج الگوی متفاوت زیر را برای تصمیم‌گیری جهت رسیدن به توسعه نشان می‌دهد:

- ۱- الگوی توسعه پایدار AAAA
- ۲- الگوی متعادل BBBB
- ۳- الگوی ناپایدار CCCC
- ۴- الگوی یک‌بُعدی ABC
- ۵- الگوی حرکت یا انتقال CBA

همانطور که ملاحظه می‌کنید، کشورهای همانطور که در حال توسعه، فرایند اصلاح ساختار را به صورت یک‌بُعدی دنبال می‌کنند و در برنامه‌های مختلف

نمودار شماره یک
نمودار ترکیب شاخص‌های توسعه پایدار در شرایط عدم‌تعادل



توسعه، هدف رسیدن به الگوی توسعه پایدار به صورت چندمرحله‌ای دنبال می‌شود.

برنامه‌های توسعه

بعد از جنگ جهانی دوم، الگوهای برنامه‌ریزی توسعه در بیشتر کشورها با نگرشی مشابه مورد توجه قرار گرفت. کشورهایی مانند ایران که با الگوی مدیریت غرب سازماندهی می‌شدند، با کمک مالی کشورهای صنعتی یا با همکاری بانک جهانی تامین مالی می‌شدند و زمینه رشد اقتصادی و بهبود زندگی مردم را فراهم می‌کردند. به اختصار الگوهای برنامه توسعه اقتصادی با اهداف موردنظر به صورت جدول شماره دو می‌باشد.

بخش دوم، حفظ محیط زیست، آمایش سرزمین و توازن منطقه‌ای.

بخش سوم، توسعه سلامت، امنیت انسانی و عدالت اجتماعی.

بخش چهارم، صیانت از هویت و فرهنگ اسلامی - ایرانی.

بخش پنجم، تامین مطمئن امنیت ملی.

بخش ششم، نوسازی دولت و ارتقای اثربخشی حاکمیت.

ملاحظه می‌کنید که قانون برنامه سوم توسعه با قانون برنامه چهارم توسعه - چه از نظر طبقه‌بندی و چه از نظر الگوی توسعه - تفاوت گسترده‌های دارد. این در حالی است که هر دو برنامه در دوره

اگرچه جامع‌تر است، اما آرمانگراتر هم هست. حال باید دید که این برنامه‌ها چه تصویری را پیش روی ما قرار می‌دهند تا در سند چشم‌انداز کمتر دچار دردسر شویم؟

مشارکت نیروی کار

اگرچه نرخ بیکاری، عدم توانایی ساختار را برای اشتغال‌زایی به‌نمایش می‌گذارد، اما بررسی‌های آماری تجربه متفاوتی از مشارکت، اشتغال و بیکاری را در حوزه‌های جنسیت، بخش‌ها و مناطق شهری و روستایی نشان می‌دهند. جدول شماره سه حاکی از تجربه اقتصاد در حال‌گذار ایران در سال ۱۳۸۶ (۲۰۰۷ م) است.

جدول شماره دو

الگوهای برنامه‌های عمرانی و توسعه

برنامه	دوره زمانی	هدف نمونه
برنامه عمرانی اول	۱۳۳۴-۱۳۳۷	تامین مایحتاج عمومی در داخل
برنامه عمرانی دوم	۱۳۴۱-۱۳۳۴	ایجاد شرایط مناسب برای سرمایه‌گذاری بخش خصوصی
برنامه عمرانی سوم	۱۳۴۶-۱۳۴۱	گسترش امکانات زیربنایی
برنامه عمرانی چهارم	۱۳۵۱-۱۳۴۷	کاهش وابستگی به خارج
برنامه عمرانی پنجم	۱۳۵۶-۱۳۵۲	گسترش عدالت اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی
برنامه اول توسعه اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی	۱۳۷۲-۱۳۶۸	تاکید بر خودکفایی و مهار تورم
برنامه دوم توسعه	۱۳۷۷-۱۳۷۳	تلاش در جهت تحقق عدالت اجتماعی
برنامه سوم توسعه	۱۳۸۳-۱۳۷۹	گسترش نظام تامین اجتماعی
برنامه چهارم توسعه	۱۳۸۸-۱۳۸۴	توسعه مبتنی بر دانایی

مأخذ: مجموعه مقالات همایش ملی سند چشم‌انداز جمهوری اسلامی ایران در افق ۱۴۰۴.

ریاست جمهوری آقای خاتمی، رئیس‌جمهور پیشین تدوین شده‌اند و به تصویب رسیده‌اند. شکی نیست که تلاش گسترده‌ای برای هدایت منابع، عبور از بحران و حرکت به سوی جهان آزاد دیده می‌شود، اما با اینهمه، در عمل میزان توفیق ناچیز بوده و چالش‌های پیش روی دولت هم با توجه به تحولات سیاسی منطقه کم نبوده است.

شایان ذکر است که حجم قانون برنامه چهارم

حال برای نمونه، اگر قانون برنامه سوم توسعه (۸۳-۱۳۷۹) را در نظر بگیریم، به سه بخش اصلی زیر تقسیم می‌شود:

بخش اول، حوزه‌های فربخشی مانند اصلاح ساختار اداری و مدیریت.

بخش دوم، امور بخشی مانند صنعت، معدن و بازرگانی.

بخش سوم، شامل اجرا و نظارت، توجه به اجرا و نظارت در ۲۵ فصل فوق.

این در حالی است که قانون برنامه چهارم به شش بخش تقسیم شده است:

بخش اول، رشد اقتصاد ملی دانایی‌محور در تعامل با اقتصاد جهانی.

جدول شماره سه

شاخص نیروی کار اقتصاد ایران

(جمعیت ۱۰ ≥ سال)

شاخص	درصد
۱- نرخ مشارکت اقتصادی	۴۰/۵
۲- نرخ مشارکت اقتصادی مردان	۶۳/۹
۳- نرخ مشارکت اقتصادی زنان	۱۶/۷
۱- سهم اشتغال در بخش کشاورزی	۲۴/۵
۲- سهم اشتغال در بخش صنعت	۳۱
۳- سهم اشتغال در بخش خدمات	۴۴/۵
۱- سهم اشتغال در بخش خصوصی	۸۱/۲
۲- سهم اشتغال در بخش عمومی	۱۸/۳
۴- سهم اشتغال ناقص	۶
۱- نرخ بیکاری	۱۰/۷
۲- نرخ بیکاری مردان	۹/۴
۳- نرخ بیکاری زنان	۱۵/۵
۱- نرخ بیکاری در نقاط شهری	۱۳/۲
۲- نرخ بیکاری در نقاط روستایی	۵/۷
۱- نرخ بیکاری جوانان (۱۵-۲۴ ساله)	۲۱/۸
۲- نرخ بیکاری جوانان (۲۹-۱۵ ساله)	۲۰

مأخذ: مرکز آمار ایران / بهار ۱۳۸۶ / گزیده شاخص‌ها / صفحه ۲۳.

ملاحظه می‌کنید که مفهوم و جایگاه نیروی کار در فرایند ساختار اقتصادی متفاوت است. برای مثال، نرخ بیکاری ۱۰/۷ درصد، اما نرخ مشارکت اقتصادی تنها ۴۰/۵ درصد است. جدول شماره سه همچنین نشان می‌دهد که ساختار اقتصاد ایران از نظر جنسیت به صورتی تبعیض‌گرا عمل می‌کند، زیرا هم شاخص

برنامه‌های توسعه‌ای چه تصویری را

پیش روی ما قرار می‌دهند تا در

سند چشم‌انداز کمتر دچار دردسر شویم؟

غزه و فلسطین اشغالی (اسرائیل) کماکان ادامه یابد.

۲- ایران صادرات نفت خود را متوقف سازد.

۳- خلیج فارس با خشکی روبرو شود (ایران تنگه هرمز را مسدود سازد).

۴- تحریم نفت علیه آمریکا به وقوع بپیوندد.

این سناریوها هر یک تحت تاثیر نگرشی است که غرب نسبت به ایران دارد و این نگاهها تحت تاثیر مسایل زیر است:

الف) ایران در آینده به صورتی آزاد و دموکراتیک اداره خواهد شد.

ب) ایالات متحده مسیر کمکهای مالی ایران به تروریسم (جنبشهای سیاسی) را مسدود خواهد کرد.

دلار (IMF) تا ۱۰۴۹۴ میلیارد دلار (EIU)؛ ایران ۲۵ میلیون نفر نیروی کار دارد؛ ۱۶ درصد زیر خط فقر زندگی می کنند؛ برآوردها جمعیت این کشور را در سال ۲۰۰۶ معادل ۷۰ میلیون نفر است؛ دوسوم جمعیت زیر سی سال هستند؛ ۸۶ درصد باسواد می باشند و درآمد و هزینه های دولت حدود یکصد میلیارد دلار (۲۰۰۶ م) پیش بینی می شود^(۷).

از سوی دیگر، اقتصاد ایران در مسیر گذار از یک اقتصاد دولتی به یک اقتصاد آزاد، با دو اصل کلیدی قانونی اساسی روبرو است: اول، اصل ۴۴ قانون اساسی که نظام اقتصادی کشور را بر سه پایه دولتی، تعاونی و خصوصی استوار می سازد. تغییرات اساسی در این اصل، به اختصار کوچک سازی دولت، تسهیل رقابت و قانون ضدانحصار را در برمی گیرد. در مقابل، اصل ۸۱ قانون اساسی را داریم که دادن امتیاز تشکیل شرکتها به خارجیان را ممنوع می سازد. این اصل با تفسیرهای متعددی روبرو است و هنوز نتوانسته است راه ورود سرمایه گذاری خارجی در مسیر ثبت شرکت های خارجی را هموار سازد (بهکیش / ۱۳۸۴)^(۸).

بدیهی است که امر خصوصی سازی بدون واگذاری همزمان مدیریت و مالکیت، حوزه اقتدار دولت را همچنان به صورت گسترده حفظ خواهد کرد و سرمایه گذاری دولتی در نهایت به سرمایه گذاری بخش خصوصی وابسته به دولت تبدیل خواهد شد. این تغییر در عمل نخواهد توانست پویایی لازم را به ساختار اقتصادی بازگرداند. لذا آینده اقتصاد ایران درگروی انتخاب مسیر برای تحقق چشم انداز ایران ۱۴۰۴ است. این چشم انداز می بایست با خصوصیات جهانی شدن اقتصاد که من آن را نوعی آزادسازی می بینم، هم راستا باشد. جهانی شدن بازارهای مالی هم زمینه جهانی شدن شرکتها را در درون یک بازار رقابتی هموار می سازد (قنادان / ۱۳۸۶)^(۹).

محورها و چالشها

دستیابی به یک اقتصاد که بخش خصوصی آن ۵۵ درصد و بخش تعاونی اش ۲۵ درصد و دولت ۲۰ درصد امور را در دست داشته باشد (سال هدف ۱۳۹۳ / حیدری کرد زنگنه) یک تحول بزرگ است و خالی از

مشارکت اقتصادی مردان (۶۳/۹ درصد) به مراتب بیشتر از زنان (۱۶/۷ درصد) است و هم نرخ بیکاری مردان (۹/۴ درصد) به مراتب کمتر از زنان (۱۵/۵ درصد) می باشد.

لازم به یادآوریست که بالا بودن نرخ بیکاری در میان جوانان به میزان ۲۰ درصد، بحران بزرگی را در سر راه ورود جوانان به بازار کار قرار داده است. این معضل با توجه به بالا بودن سطح هزینه خانوار، دو دردر بزرگ برای ساختار اقتصادی به همراه دارد: اول اینکه، بازار نیروی کار از حالت تعادل خارج شده و امکان گسترش ارتشا و سوءاستفاده از نیروی کار برای ورود به بازار کار فراهم می شود؛ علاوه بر این، بار مالی پرداخت یارانه از سوی دولت به نیروی کار همچنان در سطح بالایی باقی خواهد ماند.

بالا بودن نرخ بیکاری در مناطق شهری هم دردر دیگر را برای شهروندان ایجاد نموده، تعادل های اولیه رفتارهای اجتماعی را با تهدید روبرو می سازد. نرخ بیکاری روستایی نیز اگرچه نسبت به محیط های شهری کمتر است، با وجود این، ساختار اقتصادی - اجتماعی روستا، تحمل نرخ بیکاری ۵/۷ درصد را ندارد و به صورتی بحران زا عمل می کند. نقطه قوت آمار نیروی کار، سهم اشتغال در بخش خصوصی است، که با

توجه به امر خصوصی سازی، زمینه افزایش کارایی نیروی کار را در این بخش فراهم خواهد ساخت.

آینده اقتصاد ایران

تجربه سرمایه داری دولتی طی سال های ۱۳۸۰-۱۳۳۸ نشان می دهد که به تدریج سهم بودجه کل کشور در تولید ناخالص داخلی، از ۲۲ درصد در سال ۱۳۳۸، به ۶۶ درصد در سال ۱۳۸۰ رسیده است (فتاحی / ۱۳۸۵)^(۶). این پیشروی دولت در ساختار اقتصادی، حاصل وابستگی اقتصاد ایران به درآمدهای نفتی است. بنابراین، آینده اقتصاد ایران می تواند به شدت تحت تاثیر جریان های نفت در منطقه خلیج فارس باشد.

مطالعات بین المللی هم چهار سناریو را پیش روی موضوع نفت قرار می دهند:

۱- جنگ خاورمیانه به صورت محدود بین لبنان،



② شاخص توزیع درآمد در بیشتر کشورهای در حال توسعه، چندان رضایت بخش نیست.

پ) آینده دموکراسی در ایران به کجا خواهد انجامید؟

ت) تحریم های غرب سرانجام ایران را در مسیر برنامه های اتمی با تغییر رویه روبرو خواهد ساخت.

ملاحظه می کنید که غرب با استفاده از نگرش Huntington (۱۹۹۳ / برخورد تمدن ها) انقلاب اسلامی را محصول برخورد تمدن ها می داند. با این تعبیر و با این نگاه، آینده اقتصاد ایران محصول شیوه تعامل سازنده ایران در روابط بین الملل خواهد بود.

ایران از دیدگاه آمارشناسی غرب، نوزدهمین ساختار اقتصاد کشورهای جهان است (۲۰۰۵)، با تولید ناخالص داخلی (PPP) معادل ۸۶۲۴ میلیارد

آینده اقتصاد ایران درگروی انتخاب مسیر برای تحقق چشم انداز ایران ۱۴۰۴ است.

محیط توسعه پایدار را به وجود می‌آورند^(۱۱). این نکته حلقه مفقوده عبور از چالش‌های پیش روی ایران ۱۴۰۴ می‌باشد.

اهمیت آزادسازی در نقشی است که در هریک از محورهای حرکت دوازده‌گانه فوق به عهده دارد. برای مثال، آزادسازی می‌تواند تفسیر مناسبی را برای اصل ۸۱ قانون اساسی، جهت رسیدن به اهداف اصل ۴۴ به وجود آورد. در این مسیر "آزادسازی" ارزش‌آفرینی خود را برای فعال‌نمودن بخش خصوصی در مسیر مسوولیت‌پذیری، نسبت به مقیاس‌های بزرگ اقتصادی (بنگاه‌های بزرگ اقتصادی مانند بنیاد مستضعفان یا آستان قدس رضوی) فراهم می‌سازد. این مهم از طریق شایسته‌سالاری و رقابت‌پذیری در فضای مدل شماره دو تحول بنیادی را در چارچوب محورهای حرکت ایجاد می‌کند. در این مدل، انتخاب نحوه اثربخشی آزادسازی با توجه به کشش‌پذیری مدیریت سیاسی از یکی از محورها شروع می‌شود و سایر محورها را به حرکت درمی‌آورد. برای مثال، اگر با دموکراسی همسو گردد، به تدریج تاثیرگذاری خود را بر سایر محورها مانند آزادی آشکار می‌کند و در نتیجه تعامل با محیط، ارزش‌آفرینی بیشتر و بیشتر خواهد شد.

- (۱) چالش جهانی شدن.
 - (۲) چالش اقتدار و دموکراسی.
 - (۳) چالش انقلابی‌گری و نظام‌مندی.
 - (۴) چالش جمهوریت و اسلامیت.
 - (۵) چالش آرمان‌گرایی و واقع‌گرایی.
 - (۶) چالش مدیریت نوین و مدیریت سنتی.
 - (۷) چالش رقابت و همکاری در منطقه.
- بدون تردید، این چالش‌ها را می‌توان با پذیرش "آزادسازی"، یعنی با کنارگذاشتن محدودیت‌ها در حوزه مسایل اجتماعی و اقتصادی، به سهولت تلطیف نمود. مهمترین گام در مسیر آزادسازی نیز استقلال دستگاه‌ها و دعوت از بخش خصوصی برای پذیرش مسوولیت بیشتر است. توجه خواهید داشت که بستر این تحول آماده است و نخبگان جامعه نیز می‌توانند نقش مهمی را برای گذار از مرحله سرمایه‌داری دولتی برعهده گیرند.

ارزش‌آفرینی

آزادسازی، فضای اقتصادی ارزش‌آفرینی را در جامعه بارور می‌کند. این تحول ناشی از توجه به سرمایه‌های اجتماعی است که از طریق آزادی، رقابت‌پذیری، شایسته‌سالاری و دموکراسی (ارشد)،

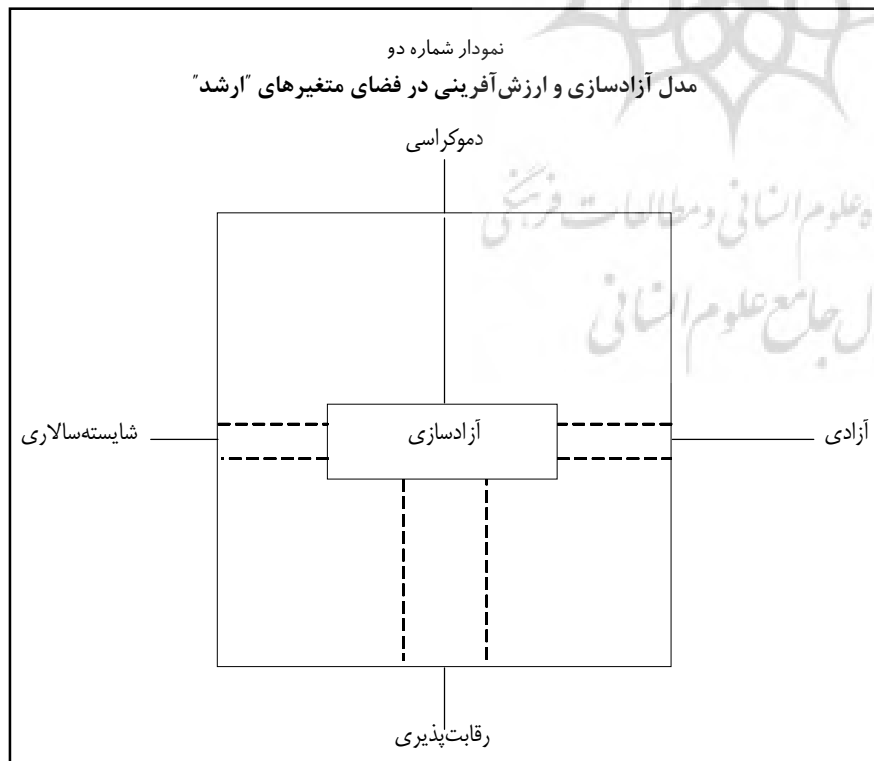
- اشکال هم نخواهد بود. تحقق این اهداف برای اقتصاد ایران لازم است و چالش‌هایی را به همراه خواهد داشت. محورهای حرکت برای تحقق آرمان‌های ایران در سال ۱۴۰۴ عبارتند از:
- (۱) آزادسازی اقتصادی.
 - (۲) تدوین برنامه چندمرحله‌ای توسعه پایدار.
 - (۳) تامین امنیت سرمایه‌های اجتماعی.
 - (۴) محوری‌نمودن دانایی.
 - (۵) تعامل سازنده با جهان آزاد.
 - (۶) آزادسازی فرهنگی و سیاسی.
 - (۷) کوچک‌سازی دولت.
 - (۸) محوری‌ساختن امر آموزش.
 - (۹) مقررات‌زدایی.
 - (۱۰) جذب سرمایه‌گذاری خارجی.
 - (۱۱) نهادینه کردن آزادی‌های فردی.
 - (۱۲) توجه کامل به مشارکت‌های مردمی.

ساختار اقتصاد ایران از نظر جنسیت به صورتی تبعیض‌گرا عمل می‌کند.

این محورها در سایه آزادی، دموکراسی، رقابت‌پذیری و شایسته‌سالاری، محیط مناسبی را برای "توسعه پایدار" فراهم خواهند ساخت. بدیهی است که در عمل مشکلات زیادی وجود دارند و آن هم به علت مقاومت در برابر تغییر است. این مانع به صورت طبیعی بر سر راه تحولات ساختاری در هر جامعه‌ای وجود دارد، اما انتظار منطقی آن است که مردم با آرای خود زمینه موفقیت را فراهم آورند.

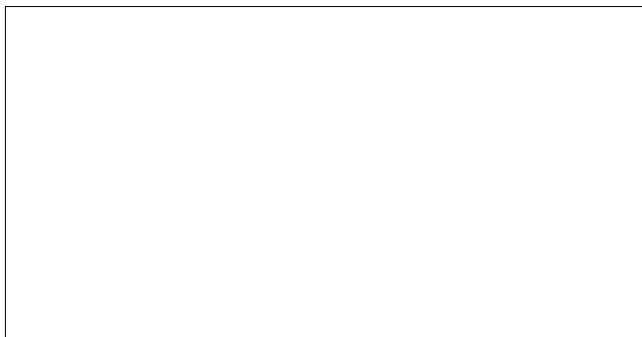
البته این تمامی مساله نیست، زیرا جامعه باز دشمنان خاص خود را دارد و گذر زمان هم نشان می‌دهد که ائتلاف بیشتر منابع توجیه ندارد. شرایط پیش روی با فناوری‌های ارتباطی و روند توسعه فناوری‌های پیشرفته، محیط انعطاف‌پذیری را تا حد زیادی محدود ساخته‌اند. امروز جهان آزاد متقاضی سهم بیشتر مشارکت مردم کشورهای در حال توسعه است و این تقاضا می‌بایست با مسوولیت‌پذیری همراه باشد.

در این رابطه مسایل یا چالش‌های عمده‌ای که در پیش روی ساختار اجتماعی - اقتصادی ایران دیده شده‌اند، عبارتند از (وردی‌نژاد / ۱۳۸۵)^(۱۰):



۳) دو مصاحبه با کارل پوپر / ۱۳۷۹ /
 درس‌های قرن بیستم.
 ۴) روزنامه جام‌جم / ۱۴ آذر ۱۳۸۶ /
 بررسی بیش از ۵۰ پرونده مفاسد اقتصادی
 در کمیسیون اصل ۹۰.
 5) Deininger, K. & ... / 1996 /
 A New Data Set Measuring
 Income Inequalities / World Bank
 / Economic Review.
 ۶) فتاحی، علی / ۱۳۸۵ / تجربه
 سرمایه‌داری دولتی در ایران / موسسه
 انتشاراتی مرز فکر / تهران.

۷) مراجعه شود به شبکه‌های اینترنت، Wikipedia,
 Iran's Economy.
 ۸) بهکیش، مهدی / ۱۳۸۴ / اقتصاد ایران در بستر
 جهانی شدن / نشر نی / صفحه ۳۲۰.
 ۹) قنادان، محمود / ۱۳۸۶ / کلیات علم اقتصاد /
 انتشارات دانشگاه تهران / صفحه ۴۷۵.
 ۱۰) وردی‌نژاد، فریدون / ۱۳۸۵ / چالش‌ها،
 فرصت‌ها... تحقق اهداف سند چشم‌انداز ۲۰ ساله / جلد
 دوم / صفحات ۲۳۸-۲۲۳.
 ۱۱) عبیری، غلامحسن / ۱۳۸۵ / آزادسازی:
 برنامه‌ریزی، دموکراسی و توسعه / انتشارات آیدن /
 تهران.



② نرخ بیکاری نشان‌دهنده عدم توانایی ساختار برای اشتغال‌زایی است.

برمی‌دارند و آرمان‌گرایی را با واقع‌گرایی آشتی
 می‌دهند. ملاحظه می‌کنید که این نوع مدل‌ها، محیط
 مساعدی را برای پرکردن فضای تهی چالش‌ها ایجاد
 می‌کنند و موفقیت برنامه‌ها را برای دستیابی به توسعه
 پایدار میسر می‌سازند. ■

منابع

- 1) Thirlwall, A.P. / 1999 / Growth and
 Development / 6th ed. / Macmillan / P.79.
- 2) Hansen, J.D. & J.Zhang / 1996 / A
 Kaldorian Approach to Regional Economic
 Growth in China / Applied Economic / June.

مدل فوق‌الذکر نقش متغیرهای
 "ارشد" را در عبور از چالش‌های یک
 سیستم بسته با هدف دستیابی به
 "ارزش‌آفرینی" و با انگیزه ایجاد تعامل با
 محیط بیرون از طریق آزادسازی،
 مورد توجه قرار می‌دهد.
 شایان ذکر است که انتخاب
 متغیرهای "ارشد" به دلیل مقبولیتی است
 که در میان نخبگان و اهل نظر در مورد
 آنها وجود دارد. برای مثال، رقابت‌پذیری
 و شایسته‌سالاری، متغیرهایی هستند که

توان کارایی موسسات و بنگاه‌ها را به سهولت افزایش
 می‌دهند. لذا مدیریت نوین به سهولت می‌تواند آنها را
 برای فایز آمدن بر سبک‌های سنتی مدیریت به کار
 گیرد و چالش پیش رو را از میان بردارد. ضمناً
 متغیرهای ارشد در تمامی مسایل و چالش‌های
 هفت‌گانه‌ای که قبلاً به آنها اشاره شد، به صورتی
 تسهیل و تلطیف‌پذیر عمل می‌کنند.

نقطه قوت این مدل هم در آن است که می‌تواند
 نظام‌های تصمیم‌گیری را در هر سطحی که باشند،
 تحت‌تاثیر قرار دهد و به سهولت امکان ارتباط
 سیستم‌ها را در به وجود آوردن شبکه فراهم نماید.
 شبکه‌ها چالش اقتدار و دموکراسی را از میان

برگه اشتراک

تاریخ

نام و نام خانوادگی مشترک:
 سن: تحصیلات: شغل:
 شماره‌های درخواستی: از شماره تا شماره
 نشانی پستی:
 شماره تلفن تماس:

مشترک‌گرامی

* هزینه اشتراک مجله برای ششماه ۲۴۰۰۰ ریال و برای یک سال ۴۸۰۰۰ ریال است. لطفاً هزینه اشتراک را به حساب بانکی شماره
 ۲۷۸۹۰۳۰۰۱ نزد شعبه سامان بانک تجارت (کد ۳۲۴) واریز کنید و فتوکپی رسید بانکی را همراه با برگه اشتراک تکمیل شده به نشانی
 زیر بفرستید:

تهران / خیابان حجاب / کوچه سوم / شماره ۱۱+۲ / صندوق پستی: تهران / ۱۴۱۵۵-۵۵۴۸